

جایگاه مهاجران ایرانی در تاریخ‌نگاری منظوم عثمانی در عصر فتوح و شکوه (۹۱۸-۹۷۲ق)

طاهر بابایی^۱

(دریافت مقاله: ۹۶/۰۸/۰۷ - پذیرش نهایی: ۹۶/۱۰/۲۴)

چکیده

حکومت عثمانی در عصر اقتدار و شکوه، (دوره حکومت سلیم اول و سلیمان قانونی)، از جنبه‌های گوناگون به شکوفایی رسید. تحول و توسعه در زمینه ادبیات و تاریخ‌نگاری یکی از جنبه‌های شکوفایی علمی در این دوره بود. نگارش آثار ادبی و تاریخی در این دوره افزایش یافت و گونه‌های ادبی جدیدی ایجاد شد. بنابر یافته‌های پژوهش حاضر، مهاجران ایرانی حاضر در قلمرو عثمانی، از جمله عوامل مهم در ایجاد این تحولات ادبی بودند. نخبگان مهاجر ایرانی، به شکل رسمی و غیررسمی به خلق آثار منظوم تاریخی پرداختند. آنها ضمن سرایش شهنامه‌های عثمانی و ایجاد سبک ادبی جدید در تاریخ‌نگاری عثمانی، به بزرگ‌نمایی حکومت عثمانی و افزایش مشروعیت آن کمک کردند و آثاری در مدح مقامات حکومتی و کوچک‌نمایی وقایع بحران‌آفرین در این دوره پرداختند. از این‌رو نخبگان منظومه‌سرای ایرانی در کنار دیگر نگارندگان تاریخ عثمانی، به تحول و پیشرفت تاریخ‌نگاری عثمانی در عصر سلیم اول و سلیمان قانونی یاری رسانند؛ تحول و پیشرفتی که از جلوه‌های شکوه این حکومت در عصر اقتدار بود.

کلیدواژه‌ها: تاریخ‌نگاری و ادبیات عثمانی، حکومت عثمانی، سلطان سلیم اول، سلیمان قانونی، شاهنامه سرایی، مهاجرت نخبگان ایرانی.

مقدمه

شعر و شاعری از نظر ترکان، از بهترین انواع هنر و بهترین نوع ادبی بود (ووسینیچ، ۷۷-۷۸)؛ از این‌رو، تاریخنگاری منظوم در قلمرو عثمانی از آغاز تأسیس حکومت، مورد توجه بود؛ چندان که آغاز تاریخنگاری عثمانی، سرایش منظومه‌ای ترکی از احمدی گرمیانی دانسته می‌شود (اوزجان، ۱۷۱). حمایت عثمانیان از شعر و ادب در دوره سلیم و سلیمان، سبب شد تا ضمن گردآمدن شاعران متعدد در دربار عثمانی،^۱ آثار منظوم و منثور ادبی بسیاری به زبان فارسی و ترکی پدید آید. پیشرفت ادبیات منظوم و منثور، به یاری تاریخنگاری عثمانی آمد و با تلفیق این دو، نگارش آثار منظوم تاریخی با موضوع حکومت عثمانی قوت گرفت. در دوره سلیم اول توسعه تاریخ‌نگاری ادامه یافت و آثاری به نام *سلیم‌نامه* نگاشته شد^۲ که در واقع بیان حماسی پیروزی‌های سلیم در نبرد با پدر و برادرانش برای دستیابی به سلطنت و نیز نبردهای او با صفویان و ممالیک مصر بود (همان، ۱۷۲).

مهم‌ترین آثار برآمده از تلفیق ادبیات و تاریخ‌نگاری که مبتنی بر زندگی سلاطین عثمانی بود، شاهنامه‌های عثمانی است که با الگوگیری از *شاهنامه* فردوسی، به شکل منظوم به بیان رویدادهای عصر سلطان و وصف او و قلمرو عثمانی پرداخته است. *شاهنامه* فردوسی چه در دوره سلجوقیان روم و چه در دوره عثمانی، منبع الهام آنا‌تولی‌نشینان و عثمانیان بود؛ به خصوص در دوره محمد فاتح که سلطان عثمانی برای نگارش رویدادهای عصر خویش، به سبک *شاهنامه* فردوسی، تاریخ‌نویسانی را به کار گرفت. در نتیجه شاهنامه‌هایی به نظم و نثر فارسی و ترکی، به نام سلاطین عثمانی پدید آمد که پدیدآورندگان *مُلهَم* از *شاهنامه* فردوسی بودند (Bilgen, "Kanuni...", 211; Kut, 2/22). رواج شاهنامه‌نویسی و شاهنامه‌سرایی به‌عنوان نخستین شکل تاریخ‌نویسی درباری عثمانی، لحاظ می‌شود که کارکرد اصلی آن تمجید و ستایش ادیبانه و هنرمندانه سلطان و اقداماتش بود (اینال‌جق، ۶۷). هرچند بسیاری از این شاهنامه‌سراها، کم‌بهره از لطف طبع و قدرت شاعری بودند و

۱. شاعران در استانبول اصنافی داشتند که در قرن یازدهم شمارشان ۸۰۰ تن بود (اولیاچلی، ۱/ ۵۲۵). سلطان محمد فاتح، سلیم اول و سلیمان قانونی از سلاطین شاعر عثمانی بودند که به شعر فارسی توجه بسیار داشتند؛ چندان که سلطان سلیم اول آنچنان به زبان فارسی گرایش داشت که حتی یک بیت شعر ترکی ندارد (سهی‌یک، ۱۶) و به نوشته لطیفی (۶۹) «کسی به‌سان او ترک ترکی نکرد».

۲. مولفانی نظیر اسحاق چلبی، ادریس بدلیسی، شگری بدلیسی، کمال‌پاشا‌زاده، جلال‌زاده مصطفی قوجه نشانچی، محیی، سجودی، سعدی بن عبدالمتعال، قاضی‌زاده اردبیلی، شعری و دیگران به نگارش سلیم‌نامه دست زده‌اند.

فقط به دور از ایران، لاف شاعری می‌زدند (ریاحی، ۱۴۴). تاریخ‌نگاری عثمانی در دوره طولانی حکومت سلیمان به اوج شکوفایی و رونق رسید و با تعیین مقرری برای مورخان درباری، از آنان حمایت مستقیم شد (اوزجان، ۲۱۳)؛ ایرانیان در این زمینه، جایگاه والایی داشتند و توانستند با خلق منظومه‌های تاریخی (شاهنامه‌ها) تاریخ‌نگاری عثمانی را تحت تأثیر قرار دهند. بنابراین، تاریخ‌نگاری عثمانی - که در دوره سلیم اول و سلیمان قانونی به اوج شکوفایی رسید - آمیزه‌ای از سبک تاریخ‌نگاری ایرانی - اسلامی با عناصر حماسی و روایت‌های ترکی بود (Nur Yıldız, 403). در این پژوهش به بررسی نقش مهاجران ایرانی در تحول تاریخ‌نگاری منظوم عثمانی در عصر سلیم اول و سلیمان قانونی پرداخته خواهد شد که در آن به روند و اشکال تولید آثار و اهداف و انگیزه‌های سرایش این منظومه‌ها پرداخته می‌شود. در بررسی این مسأله تلاش خواهد شد تا به پرسش‌های زیر پاسخ داده شود: الف. روند تألیف منظومه‌های تاریخی ایرانیان حاضر در قلمرو عثمانی در عصر اقتدار چگونه بود؟ ب. اهداف و انگیزه‌های ایرانیان در سرایش این آثار تاریخی چه بود؟

منظومه‌های تاریخی غیررسمی ایرانیان حاضر در قلمرو عثمانی

در عصر اقتدار عثمانی، ایرانیان، منظومه‌های غیررسمی به سبک و وزن شاهنامه سرودند و ضمن به نظم کشیدن وقایع تاریخی عثمانی، به مدح و بزرگداشت سلاطین و مقامات عثمانی پرداختند. فعالیت این شاعران خارج از دربار و بدون دریافت مقرری منظم و تنها با چشمداشت صله، انجام می‌گرفت. شاهنامه‌سرایی و خلق منظومه‌های تاریخی پیش از آن که در دوره سلیمان قانونی، رسمی شود و به منصبی درباری بدل شود، در میان شاعران و مورخان رایج بود و حتی پس از رسمی شدن این شکل تاریخ‌نگاری، به همان قوت به راه خود ادامه داد.

یکی از نمونه‌های مشهور شاهنامه‌سرایی، *سلیم‌نامه* یا *شاهنامه سلیم‌خانی* اثر ادایی شیرازی است که با ۲۶۷۰ بیت (Argunşah, 42) بر وزن *شاهنامه فردوسی* سروده شده و بسیاری از تشبیهات آن همانند اثر فردوسی است. او از شاعران سده دهم هجری بود که به‌رغم برتری‌اش بر بسیاری از شاعران معاصر خود، کمتر نامی از او در تذکره‌ها و کتب تراجم آمده است (سلیمان‌زاده، ۷۸). نام اصلی او بر اساس نسخه چاپی اثرش، مولانا محمد ملقب به ادایی شیرازی است (ادایی شیرازی، ۲۰۰۷). حاجی خلیفه در ذکر

اثرش با نام *سلیم‌نامه*، او را ادایی فارسی خوانده و شمار ابیات کتابش را ۲۵۱۷ بیت برآورد کرده است (حاجی خلیفه، ۲/ ۱۰۰۱). حکیم‌شاه نیز در بخش افزوده به ترجمه *مجالس النفائس*، نام او را بهاء‌الدین علی ضبط کرده و او را اهل شیراز و متخلص به ادایی خوانده است (حکیم‌شاه، ۳۶۴). ادایی در وصف منظوم سرگذشت خود، به سفرش از شیراز به هند و دکن اشاره کرده و یادآور شده که در آن سرزمین، از مقربان سلطان بوده است. او پس از مدتی عازم حج و از آنجا رهسپار دیار روم شد و به سبب زیبایی قسطنطنیه، مقیم آن شهر گردید (ادایی شیرازی، ۱۷-۱۸). گویا او به هنگام حضور در قلمرو عثمانی، از حمایت شهزاده مصطفی پسر سلیمان قانونی و صدراعظم صوفلی محمدپاشا، برخوردار بوده است (ششن، ۲۸۰). ادایی، در ۹۲۸ق در استانبول درگذشت (حکیم‌شاه، ۳۶۵).

ادایی در *سلیم‌نامه* یا *شاهنامه سلیم‌خانی*، پس از تمهید، حدود چهار صفحه، سلیم اول با اغراق، مدح کرده (ادایی شیرازی، ۱۲-۱۶) و سپس به بیان چگونگی انتقال قدرت به سلیم اول پرداخته است (همان، ۲۵-۲۷). ادایی، در این اثر وقایعی چون درگیری سلیم با برادرانش، جلوس او بر تخت سلطنت، رحلت بایزید دوم، حمله به ایران، برخی از نامه‌ها، علل بازگشت از ایران، فتح مصر و وفات سلیم، را به نظم کشیده است. در این میان، نبرد چالدران (همان، ۵۱-۱۰۷) و فتح مصر (همان، ۱۰۸-۱۸۳) بیشترین حجم را به خود اختصاص داده است. سراینده این اثر از سویی به با اغراق و طمطراق، به بزرگ‌نمایی اقدامات سلیم پرداخته و حتی دامنه این مدایح اغراق‌آمیز را بر شخصیت‌های ذی‌نفوذ آن دوره نظیر قاضی‌عسکر را نیز گسترانده (همان، ۲۱-۲۵) و از سوی دیگر، مشاهدات شخصی خود را درباره اوضاع جامعه آن دوره، بازتاب داده است. ادایی در *سلیم‌نامه* - که حوادث را به اختصار بیان کرده است - درباره اقدامات نیک و مثبت سلیم، بسیار اغراق کرده و حوادثی را که موجب خلل در مشروعیت وی می‌شده‌اند، نادیده گرفته یا کوچک و ناچیز وانمود کرده است.

در دوره سلیمان قانونی، سرایش منظومه‌های حماسی خارج از دربار تداوم داشت؛ از آن میان، شاعری ایرانی به نام شاهی، *سلیمان‌نامه*‌ای سروده بود که به جای نمانده است (ثریا، ۱۳۲/۳). شاهی یا شاهی شرقی، زاده تبریز و فرزند قاسم‌چلبی بود (همانجا). شاهی را از امرای کُرد و نیز از مقربان شاه اسماعیل صفوی دانسته‌اند (همانجا؛ لطیفی، ۲۰۱) که در مدح قزلباشان

و صفویه نیز اشعاری سروده بود.^۱ او که به ترکی نیز شعر می‌سرود (لطیفی، ۲۰۲)، در دوره سلیم اول به قلمرو عثمانی کوچید و در ۹۴۵ق در آنجا درگذشت (ثریا، همانجا؛ لطیفی، ۲۰۱).

اثر دیگری از این دوره به نام *فتوحات سلیمانی* به زبان فارسی از شاعری ایرانی به نام اسماعیل به جای مانده که دربردارنده حدود ۲۶۷۰ بیت به سبک و وزن *شاهنامه* فردوسی است (Bilgen, İsmail ve Futuhati Süleymani \ si, 1990) و تاریخ اتمام آن ۹۴۶ق است.^۲ او از ایرانیانی بود که در دوره سلیمان قانونی، به سرایش این منظومه دست زد و به شرح جنگ‌های وی تا ۹۴۶ق و نیز مدح وزیران و توصیف کاخ عثمانی پرداخت (ریاحی، ۱۴۵-۱۴۶؛ Bilgen, 211 “Kanuni Devrinde Yaşamış bir İranlı şairin gözüyle İstanbul”).

اسماعیل در این اثر، پس از ستایش خدا، پیامبر و چهار یار، با اغراق تمام، به مدح سلطان، وزیران و شاهزادگان پرداخته است. این بخش که حدود نیمی از اشعارش را در بر می‌گیرد، با هدف شاهنامه‌نویسان در بزرگداشت حکومت و برتری دادن آن بر حکومت‌های مجاور همخوانی دارد (Bilgen, Ibid, 214). او پس از این مدایح، تشکیلات اداری و دیوانسالاری عثمانیان را معرفی کرده و مناصب پرشمار نظامی، درباری و اداری و نیز نهادهایی نظیر خزانه، توپخانه و اصطبل‌ها را وصف کرده است. در این بخش از اشعار اسماعیل می‌توان به گستردگی و انتظام ساختار حکومتی عثمانی پی برد. این بخش که اطلاعات ذی‌قیمتی در زمینه تاریخ اجتماعی و زیرمجموعه‌ها و نهادهای حکومت عثمانی در اختیار می‌گذارد، اهمیت این اثر را دوچندان کرده است. اسماعیل، نبردهای اروپایی سلیمان قانونی را با اغراق تمام به نظم کشیده است (Bilgen, Ibid, 215). او صرفاً به شرح منظوم این جنگ‌ها بسنده نکرده است و به وصف شهر استانبول،^۳ مدارس، مدرسان، شفاخانه‌ها، میخانه‌ها، حکیمان، حمام‌ها، مساجد و بسیاری از بناهای دیگر نیز پرداخته است (Ibid, 216). اسماعیل در بخش پایانی، بار دیگر به مدح سلطان سلیمان پرداخته و اثرش را به او تقدیم کرده است (Ibid).^۴

۱. تاج یک رنگی که صاحب دولتان را بر سر است/ این همه گل‌های سرخ باغ آل حیدر است (لطیفی، ۲۰۲).
 ۲. چل و شش شد و نهصد ای پیش بین/ ز تاریخ پیغمبر پاک دین/ که اتمام دید این همایون کتاب/ به نام شهنشاه دولت مآب

(Bilgen, “Kanuni Devrinde Yaşamış bir İranlı şairin gözüyle İstanbul”, 213.)

۳. چو گفتیم از شاه و از لشکرش - بگویم لختی هم از کشورش/ ز وصف ستنبول گویم سخن - از آن تازه گلزار و باغ کهن (Bilgen, Ibid, 218).

۴. شها نیست مقصود من زین کتاب - بجز نام باقی عالیجناب/ بدادم تواریخ شه را نظام - بماناد شه ختم شد والسلام.

منظومه‌های تاریخی رسمی ایرانیان حاضر در قلمرو عثمانی

شاهنامه‌سرایی‌های پیشتر گفته شده، خارج از سازمان منظم و با وظایف مشخص انجام شد و در پیشنهاد سرایش و نظارت بر آن، نقشی اندک برای دربار می‌توان متصور بود، اما در اواسط حکومت سلیمان قانونی، وضع دگرگون شد. در حدود ۹۵۷ق منصبی به نام «شهنامه‌جی» در دربار عثمانی ایجاد شد که با الگو گرفتن از شاهنامه فردوسی و به زبان فارسی، به بیان ادیبانه تاریخ عثمانی و برجسته کردن داستان‌های پیروزی و فداکاری‌های عثمانیان می‌پرداخت (Woodhead, 38/ 456). متصدی منصب شهنامه‌جی که حقوق و مقرری ثابت داشت، به خلق آثار منظوم فارسی که تحت حمایت و تشویق حاکمان قرار داشت، رونق بخشید و ایرانیان به اقتضای تصدی شهنامه‌جی‌گری، امتیاز بزرگی در دربار عثمانی به دست آوردند (Nur Yıldız, 409). از زمان ایجاد این منصب تا پایان آن در ۱۰۰۹ق (Woodhead, Ibid)، تنها یکی از شهنامه‌جی‌گراها یعنی تعلیقی‌زاده، ایرانی نبود.^۱ برای اینکه شاهنامه‌ها در نمایش شکوه عثمانیان موثرتر باشند، در کنار سرایش هنرمندان، گروهی از کتاب‌آرایان (شامل کاتبان، مذهبان و مصوران) با شهنامه‌جی همراه و همکار بودند و دربار عثمانی برای تأمین مواجب این گروه و اثر تولید شده، مبالغ هنگفتی هزینه می‌کرد (رفیق، ۱۸۲؛ Nur Yıldız, Ibid). یکی از اهداف ایجاد چنین منصبی، کوشش برای تقویت مشروعیت سلطان عثمانی پس از یک دهه مشکلات (از اواخر دهه ۹۵۰ق تا اواخر دهه ۹۶۰ق) و توجیه فتوح و ادعاهای ارضی جدید وی و نیز تقویت موضع او در برابر صفویان بود (نیاترای، ۲۲۵؛ Nur Yıldız, Ibid).

نخستین شهنامه‌جی عثمانی، شاعری ایرانی به نام فتح‌الله عارف (د. ۹۶۹ق) بود که در ۹۵۷ق و پس از ایجاد این منصب، عهده‌دار آن شد. نام او را فتح‌الله‌چلبی (عالی‌افندی، گ ۴۰۷ ب؛ بغدادی، ۱/ ۸۱۵؛ Kinalizade, B/ 27)، فتح‌الله‌افندی (قارصلی‌زاده، ۴۰؛ رفیق، ۸۲) و فتح‌الله عجمی (عطائی، ۳۱؛ سامی، ۴/ ۳۰۳۹) نیز نوشته‌اند. از زادگاه او اطلاعی در دست نیست. در برخی از منابع، او را شیرازی و قزوینی دانسته‌اند، قولی که نمی‌توان بر آن اعتماد کرد (Yazıcı, 3/ 371). او را به سبب تخلصش در شعر، عارف یا عارفی^۲ و

۱. فتح‌الله عارف، افلاطون شروانی، سید لقمان اورموی - اولین و برجسته‌ترین شهنامه‌جی‌های عثمانی - هر سه ایرانی بودند. شهنامه‌جی‌ها تا زمان سیدلقمان، آثارشان را به نظم تقدیم سلطان می‌کردند، اما از زمان سید لقمان، نثر نیز در کنار نظم به کار گرفته شد (رفیق، ۱۸۲).

۲. بغدادی، در کنار این تخلص، واژه «عازم» را نیز به عنوان تخلص او آورده است (بغدادی، ۱/ ۸۱۵).

به سبب تصدی منصبش در دربار عثمانی، *شهنامه‌چی* / *شهنامه‌چی*^۱ نیز خوانده‌اند (جلال‌زاده، گ ۱۰ الف؛ رفیق، همانجا؛ Kınalızade, Ibid). فتح‌الله عارف، به سبب مهارت ادبی و شاعری^۲ با روزی ۶۰ آقچه، *شهنامه‌چی* سلیم اول شد (عطائی؛ رفیق، همانجاها؛ قس: عالی‌افندی، همانجا که مقرر می‌شود او را ۲۰ آقچه ضبط کرده است). او این وظیفه را تا اواخر دوره حکومت سلیمان قانونی بر عهده داشت (عالی‌افندی، همانجا؛ Kınalızade, Ibid).

اثر برجسته فتح‌الله عارف، *شهنامه آل عثمان* نام دارد که *شاهنامه عارف* و *سلیمان‌نامه* نیز خوانده شده است (حکیم‌شاه، بخش افزوده به ترجمه *مجالس النفائس*، ۳۹۳؛ ریاحی، ۱۴۶). این اثر به زبان فارسی و به سیاق *شاهنامه فردوسی* در پنج جلد سروده شده بود و گویا بالغ بر ۶۰ هزار بیت داشت، اما همه آن به دست نرسیده است. جلد نخست این اثر درباره پیامبران (انبیاء‌نامه)، جلد دوم در باب تاریخ صدر اسلام، جلد سوم درباره حکومت‌های متقدم اسلامی تا دوره سلجوقیان، جلد چهارم در ظهور عثمانیان تا زمان سلیمان قانونی و جلد پنجم درباره تاریخ دوره سلیمان قانونی بوده است که جلد نخست و جلد پنجم آن به طور کامل به جای مانده، اما از جلد‌های دوم و چهارم تنها چند ریزنگاره باقی است و جلد سوم نیز به دست نرسیده است (اوزجان، ۲۱۳؛ Yazıcı, 3/؛ 372; Nur Yıldız, 410). جلد پنجم این اثر که بالغ بر ۳۶ هزار بیت است، *سلیمان‌نامه* نام دارد که در ۹۶۵ق تکمیل شد. فتح‌الله در این جلد، با لحنی حماسی، حوادث دوره سلیمان را به نظم کشیده و همانند فردوسی کوشیده است از واژه‌های عربی، کمتر استفاده کند (Yazıcı, Ibid; Nur Yıldız, Ibid). این اثر که به صورت مخطوط در توقیاطی سرای استانبول نگهداری می‌شود، بیش از آن که از حیث ادبی مورد توجه باشد، به سبب هنر نگارگری و کتاب‌سازی مورد اعتنا بوده است. اثر فتح‌الله در کارگاه‌های هنری دربار عثمانی، توسط هنرمندان کتاب‌آرا، کتابت و نگارگری شد و معروف‌ترین کاتب آن میرخویی حسینی، مهاجر ایرانی و از مروجان قلم نستعلیق در قلمرو عثمانی بود (بابایی و دیگران، ۵۹). به دیگر سخن، در سده دهم هجری، در نگارگری کتب، سبک نویی ایجاد شد که هنرمند به شکل یک وقایع‌نگار، رویدادهای گوناگون را در طول

۱. عالی‌افندی، *شهنامه‌چی* را به صورت فارسی آن، *شهنامه‌گوی*، آورده است (عالی‌افندی، گ ۴۰۷ ب).
 ۲. جلال‌زاده، در *طبقات الممالک و درجات المسالک* او را این‌گونه توصیف می‌کند: «بغای شهد مقال و عیسی دم عندلیب روضه انس، گویا قدس محرم، پهلوان عرصه سخن‌دانی، شیر بیشه نظم و پلنگ قله معانی، شهباز بلندپرواز سحر حلال، دره التاج باهر الابتهاج فضل و کمال، مبارز میدان فضایل و معارف، ممتاز زمن، نادر العصر مولانا فتح‌الله که در میان ارباب نظم، عارف است ...» (گ ۱۰ الف).

مدت زمانی معین به تصویر می‌کشید. آغاز این سبک در ۹۳۲ق بود و با کتاب *سلیمان‌نامه* به اوج رسید. در این اثر، به شکل ثبت اخبار روزانه (در جلد پنجم)، با حوصله و ظرافت، وقایع مهم آن دوره به تصویر کشیده شده است (هیلن‌برند، ۲۶۹). نسخه به جای مانده از اثر عارفی، کاملاً مصور و دربردارنده ۶۱۷ برگ کاغذ پرورده و طلا افشان با تذهیب عالی و ۶۹ نگاره بزرگ و چهار نگاره دوصفحه‌ای است. در *سلیمان‌نامه* عارفی، اصول تصویرپردازی و فضابندی کتاب‌آرایی کهن ایرانی با سلیقه‌ای کاملاً متمایز از هنر عثمانی (در فضابندی جغرافیایی و بازنمایی و چهره‌گشایی) تلفیق شده که در آن هنر ایرانی با ابداعاتی، با هنر عثمانی درآمیخته و سبک جدید را ایجاد کرده است (بلر و بلوم، ۹۱۹-۹۲۰). ترکیب‌بندی‌های این اثر به همان اندازه که به‌شلوغ بودن، درهم‌ریختگی، سکون و ایستایی گرایش دارد، برای القای شکوه و جلال موقعیت‌های خاص نیز تلاش کرده است (برند، ۱۹۲).

فتح‌الله عارف، اثری دیگری به نام *وقایع سلطان بایزید مع سلیم‌خان* سروده بود که همچون غالب آثارش، بر وزن و اسلوب شاهنامه فردوسی و به زبان فارسی است.^۱ این اثر به شرح نبردهای فرزندان سلیمان قانونی یعنی سلیم دوم و بایزید در بیستم شعبان ۹۶۶ق پرداخته است و در آن، ضمن ذمّ روزگار، به مدح سلطان و شهزاده پرداخته است (نوریلدیز، ۲۴۰؛ Yazıcı, 3/ 372). منظومه *فتوحات حمیله* دیگر اثر فتح‌الله عارف است که اوزجان (۲۰۰) آن را *سلیمان‌نامه‌ای مجهول‌المؤلف ضبط کرده است*. اما تحسین یازیچی در نگارش مقاله "عارفی فتح‌الله" (Yazıcı, Ibid) آن را از فتح‌الله عارف دانسته است. این اثر که به احتمال قوی در ۹۵۷ق سروده شده است (اوزجان، همانجا)، از حیث وزن و لحن و برخی ابیات، شباهت بسیاری به *شهنامه خاقانی* فتح‌الله دارد، اما از آن مختصرتر است و صرفاً به بخشی از نبردهای اروپایی عصر سلیمان قانونی اختصاص دارد (همانجا؛ Yazıcı, Ibid). این اثر به فتوح صوقللی محمدپاشا و احمدپاشا در مجارستان اختصاص دارد که در آن چگونگی فتح قلعه پچ در ۹۴۹ق، قلعه لیپوه در ۹۵۷ق و قلاع آگری و طمشوار در ۹۵۸ق به نظم کشیده شده است (Yazıcı, Ibid). از فتح‌الله عارف، آثار منظوم دیگری نیز به جای مانده است که از آن میان می‌توان به *سلیم‌نامه* او اشاره کرد که به زبان فارسی و به سبک *سلیمان‌نامه‌اش*، وصف منظوم رویدادهای دوره سلیم یاوز و اوایل دوره سلیمان قانونی است (Argunşah, 43). *سفرنامه سلیمان* اثر منظوم دیگری است که در قالب مثنوی سروده شده و شامل دو هزار بیت در شرح سفر

۱. مطلع اثر: جهانانم چہسان لعبتی / کہ ہر دم بر آیی بہ یک صورتی (Yazıcı, 3/ 372).

صدراعظم خادم سلیمان پاشا به هند است. *دیوان فارسی، ابیات تاریخی، صنم خیال* (درباره اشکال انسان‌ها)، *فرس النخیال* (درباره انواع اسب‌ها)، *رساله فی المعما* و کتاب ناتمام *هنرنامه* از دیگر آثار فتح‌الله است (رفیق، ۸۳؛ بروسه‌لی، ۱۱۶/۳-۱۱۷؛ Yazıcı, Ibid). او چند شعر ترکی نیز سروده است (Kınalızade, B/ 29).

دومین شهنامه‌جی عثمانی، افلاطون شروانی بود که پس از مرگ فتح‌الله عارف، جانشین او شد. عبداللطیف افلاطون بن شیخ درویش محمد الشروانی (براساس اشاره خود افلاطون شروانی در پایان منظومه حکایت آمدن سیل به استانبول، Rahman Moshtagh Mehr & Nihat Degirmenci, 19) معروف به افلاطون شروانی از ایرانیان مهاجر به قلمرو عثمانی بود که اصالتاً اهل شروان بود. او کتابدار/کاتب القاص میرزا بود و در ۹۵۴ق به همراه او به استانبول سفر کرد (عالی‌افندی، گ ۳۹۲ ب؛ رفیق، ۸۳). افلاطون از آغاز تشکیل منصب شهنامه‌چی در دربار عثمانی، به رقابت با فتح‌الله عارف برخاست. او در پی کسب شهرت و منصب، به بدگویی و تخریب فتح‌الله عارف که در آن زمان «شهنامه‌جی» عثمانیان بود، دست زد و حتی نوشته‌هایی برای سلیمان قانونی ارسال کرد، اما سلطان عثمانی آنچنان به شهنامه‌جی خود مفتخر و مطمئن بود که به گفته‌های او وقعی ننهاد (عالی‌افندی، همانجا). سرانجام در ۹۶۹ق با مرگ فتح‌الله عارف، افلاطون شروانی، شهنامه‌چی دربار شد و تا زمان مرگش در ۹۷۷ق عهده‌دار این مقام بود (رفیق، همانجا؛ اوزجان، ۲۱۳). افلاطون در شعر فارسی، «اسیری» و در شعر ترکی «خزانی» تخلص می‌کرد و علاوه بر شاعری، تذهیب‌کاری و نگارگری نیز چیره‌دست بود (اوزجان، همانجا). افلاطون که خود هنرمند نگارگر و خوش‌نویسی توانا بود، نگارش سه فصل از *هنرنامه‌ای* را که فتح‌الله آغاز کرده بود، به انجام رساند. این اثر که به سبک *شاهنامه* به تاریخ عثمانیان از بدو پیدایش اختصاص داشت، مهم‌ترین فعالیت افلاطون شروانی در مقام شهنامه‌چی است و چون دیگر شاهنامه‌ها، در زمینه شکوه‌افزایی و مشروعیت‌سازی برای عثمانیان تألیف شد. *هنرنامه* که ده فصل را در بر گرفت، ناتمام ماند و پس از مرگ افلاطون در ۹۷۷ق، دیگر شهنامه‌جی ایرانی دربار عثمانی، سید لقمان اورموی آن را به پایان رساند (Eroğlu, 1998) که شامل ریزنگاره‌های فراوان و با نظم و نثر ترکی و فارسی بود (اوزجان، ۲۱۳-۲۱۴؛ رفیق، همانجا؛ Tarım Ertuğ, 18/ 484). منظومه دیگر افلاطون شروانی که به زبان فارسی و بر وزن *شاهنامه* است، *حکایت آمدن سیل* به *استانبول* نام دارد.^۱ این منظومه درباره سیل ۹۷۱ق در استانبول است که خسارات بسیاری به

۱. مطلع این مثنوی: به نام خدایی کنم ابتدا/ کزو یافت گردون گردان بنا.

شهر و وارد کرد و حتی سلطان سلیمان قانونی نیز که در شکار به سر می‌برد، گرفتار سیل شد. افلاطون در این اثر، پس از مدح پروردگار و سلطان عثمانی به وصف منظوم بارش باران، برخاستن سیل و خسارات آن و نیز گرفتاری سلطان در سیل پرداخته است. او در این منظومه به مناسبت، به مدح سلطان پرداخته است (Rahman Moshtagh Mehr & Nihat, 19-1). او همچنین اثری به نام *شاهنامه اسیری* دارد که حماسه‌ای است دینی در شرح جنگ‌های پیامبر(ص) در حدود ۱۲۰۰۰ (راشد محصل، ۸۶). دو شهنامه‌جی ایرانی عصر سلیمان قانونی، علاوه بر این که زبان فارسی را در دربار عثمانی رواج دادند، با سرایش مثنوی‌های حماسی بر شکوه دربار عثمانی افزودند. همچنین سبکی را ترویج دادند که علاوه بر تأثیرگذاری بر ادبیات عثمانی، تاریخ‌نگاری عثمانی را نیز متأثر ساخت.

اهداف و انگیزه‌های ایرانیان در سرایش منظومه‌های تاریخی عثمانی

بنیان منظومه‌های حماسی بر بزرگ‌نمایی و اغراق نهاده شده است. این بزرگ‌نمایی در منظومه‌های تاریخی عثمانی که با درباره‌ی دوره‌ی حکومت یک سلطان، یا همه سلاطین عثمانی یا درباره‌ی واقعه‌ای خلق خاص سروده می‌شد، نمود بیشتری یافته است؛ زیرا یکی از اهداف عثمانیان در حمایت از چنین منظومه‌هایی، بزرگ‌نمایی سلطان و حکومت در جهت نشان دادن تفوق بر حاکمان رقیب مسلمان بود. در این برتری‌جویی، موضوع تسلط بر حرمین شریفین و داعیه‌ی رهبری جهان اسلام بسیار پررنگ بود. در جای‌جای منظومه‌های تاریخی ایرانیان که به شکل تک‌نگاری درباره‌ی سلیم اول و سلیمان قانونی سروده شده، بزرگ‌نمایی اقدامات آنان و انتساب القاب پرطمطراق، خودنمایی می‌کند. نادیده انگاشتن یا کوچک‌نمایی رویدادهایی که با خصوصیات یک سلطان مشروع و عادل مسلمان با دعاوی کلان، ناهمخوانی داشت، انگیزه‌ی دیگر سراینده‌گان منظومه‌های تاریخی بود. این انگیزه که از سوی حکومت عثمانی پشتیبانی می‌شد، در آثار منظوم تاریخی به موازات اهداف سلاطین عثمانی در کسب و افزایش مشروعیت سیاسی، پیگیری می‌گردید. چندین رویداد در این دوره مشروعیت سیاسی حکومت عثمانی را تحت تأثیر قرار داده بود که مهمترین آنها به روند جلوس سلطان سلیم اول و نخستین اقدامات او پس از کسب تاج و تخت مرتبط بود.

بحران مشروعیت حکومت سلیم اول از آنجا آغاز شد که وی در اواخر حکومت بایزید دوم - که ناتوان از اداره‌ی مقتدرانه‌ی امور بود- سر به عصیان برداشت و به‌رغم تمایل سلطان

به جانشینی فرزند ارشدش - احمد - با پدر از سر ناسازگاری درآمد و به جنگ وی رفت (خواجه‌سعدالدین‌افندی، ۱۳۹/۲-۱۹۹؛ صولاق‌زاده، ۳۲۵-۳۵۸؛ عبادی، ۱۴۱-۱۵۸)، اما در ۹۱۷ق به سختی شکست خورد (خواجه‌سعدالدین‌افندی، ۱۴۲/۲-۱۴۳، ۱۵۵-۱۶۲، لطفی‌پاشا، ۲۰۲) و زمینه برای ولایت‌عهدی احمد مهیا شد، اما عصیان ینی‌چریان، وضع را به سود سلیم پیش برد (خواجه‌سعدالدین‌افندی، ۱۸۳-۱۸۵، ۱۹۰، ۱۹۸-۱۹۹؛ صولاق‌زاده، ۳۲۸، ۳۴۵). با اقدامات ینی‌چریان، رقبای سلیم کنار زده شدند و بایزید دوم به ناچار کناره گرفت و سلیم بر تخت نشست (لطفی‌پاشا، ۲۰۲-۲۰۳؛ سهی‌بک، ۱۵). با یزید دوم اندکی بعد، در راه دیمتوقه درگذشت. گرچه غالب منابع به بیماری و پیری سلطان اشاره کرده‌اند (برای نمونه نک: صولاق‌زاده، ۳۴۸؛ خواجه‌سعدالدین‌افندی، ۲۰۷/۲؛ عالی‌افندی، گ ۲۰۴ الف)، اما مسمومیت، یکی از احتمالات مرگ او شمرده شده است (قره‌چلبی‌زاده، ۳۹۷؛ 2/440: Münecimbaş, ۳۹۷). درگیری سلیم با برادرانش در جهت کنار زدن آنان و تثبیت خود بر کرسی سلطنت عثمانیان ادامه یافت و سلطان جدید علاوه بر برادرکشی، دامنه کشتار را تا برادرزادگان خویش نیز گستراند (صولاق‌زاده، ۳۵۰، ۳۵۳، ۳۵۶-۳۵۸؛ عالی‌افندی، گ ۲۲۵ ب - ۲۲۸ ب).^۱ این چنین، سلیم به سبب جنگیدن با پدر، دستیابی قهرآمیز به سلطنت، ظن نقش‌آفرینی در مرگ بایزید دوم و کشتار برادران و برادرزادگان به جرگه سلاطینی افزوده شد که با ناپسندترین شکل، به قدرت رسیده بودند و با بحران بزرگی در مشروعیت حکومت، دست به گریبان شد.

در دوره سلیمان قانونی به سبب این‌که پدرش راه جلوس او را هموار کرده بود، درگیریها بر سر جانشینی تکرار نشد، اما توجیه اقدامات پدر و رفع بحران مشروعیت برآمده از آن اقدامات، توجه سلیمان را به خود معطوف ساخت. از همین رو سلیم‌نامه‌ها (به‌ویژه سلیم‌نامه‌های منتور) به مشروعیت جانشینی سلیم، بیش از اندازه توجه داشته‌اند و حتی سلطان سلیمان قانونی، برای اثبات مشروعیت پدر، از سلیم‌نامه‌نویسان حمایت بسیار کرد (رفیق، ۸۲؛ 410, 408: Nur Yıldız).

دو ویژگی مدح و بزرگ‌نمایی حکومت و کوچک‌نمایی برخی وقایع در شهنامه‌های

۱. «شاه عالی‌قدر برای حذر از فتنه برادرزادگان، محمد بن شهنشاه، سلطان موسی، سلطان امیر، سلطان اورخان و سلطان عثمان شاه پسر سلطان علمشاه را شربت شهادت نوشاند... برادرانش سلطان احمد و قورقود نیز در پی جنگ و جدال شربت شهادت نوشیدند» (طاشکیری‌زاده، ۶۳/۱).

رسمی عثمانی نیز برجسته بود و حتی با ایجاد کارگاه‌های هنری و فعالیت هنرمندان کتاب‌آرا، افزایش یافت. ادایی شیرازی در پایان اثر منظوم خود و در بیان درگذشت سلطان سلیم در مدح وی بسیار کوشیده است (ادایی شیرازی، ۱۸۳-۱۹۰). همچنین بخشی را به «در رشته کشیدن جواهر سخن آبدار به مدح پادشاه هفت اقلیم السلطان بن السلطان، سلطان سلیم خلدالله ملکه» اختصاص داده است (همان، ۱۲-۱۶). ادایی در توصیف چگونگی جلوس سلیم (همان، ۲۵-۲۷) و درگیری او با شاهزادگان و قتل آنان (همان، ۲۸-۴۲)، راه کوچک‌نمایی و توجیه را پیموده است. اسماعیل شاعر نیز در *فتوحات سلیمانی*، مدح سلطان (Bilgen, Ibid, 214) و بزرگ‌نمایی اقدامات وی در نواحی غربی قلمرو عثمانی (Ibid, 215) را مورد توجه قرار داده است. دو شهنامه‌چی دربار عثمانی نیز یکی در منظومه *وقایع سلطان بایزید مع سلیم‌خان* به توجیه اختلافات شاهزادگان (yazıcı, 3/ 372) و دیگری در آغاز و اتمام حکایت آمدن سیل به *استانبول* به مدح سلطان سلیمان پرداخته‌اند (Rahman Moshtagh Mehr & Nihat, 19, 19). بی‌تردید چشمداشت مادی نگارندگان و پشتیبانی سخاوتمندانه سلاطین عثمانی از این آثار، در سرایش آن سهم بسزایی داشته است. همچنین خلق این آثار، علاوه بر ثبت اخبار وقایع مطابق علایق عثمانیان، به غنای ادبیات عثمانیان و رونق تاریخنگاری رسمی این حکومت یاری رساند.

نتیجه‌گیری

تاریخنگاری عثمانی در عصر سلیم اول و سلیمان قانونی که دوره اقتدار و شکوه عثمانیان بود، پیشرفت چشمگیری داشت. یکی از قالب‌های تاریخنگاری در این عصر، تاریخنگاری منظوم بود که بیش از هر چیز به شکل منظومه‌های حماسی جلوه کرد و با الهام‌گیری از ادبیات ایرانیان و زبان فارسی به وصف هنرمندانه وقایع و مدح و بزرگ‌نمایی سردمداران حکومتی معطوف شد. ایرانیان که دستی در شاعری داشتند و به سبب عوامل مختلف، شمارشان در قلمرو عثمانی به فزونی گراییده بود، در این زمینه، نقش برجسته‌ای ایفا کردند. اینان به موازات شکل و قالب منظومه‌نگاری عثمانی، به دو شیوه رسمی و غیر رسمی، نقش خود را ایفا کردند. ادایی شیرازی، اسماعیل شاعر و دو شهنامه‌چی نخست عثمانی که به زبان فارسی و به تقلید از شاهنامه فردوسی، آثارشان را به نظم آوردند، از جمله این ایرانیان بودند. همین شکل گرت‌برداری از بیان حماسی فردوسی، در اواسط حکومت سلیمان قانونی، انتظام و سازمان یافت و به شکل منصبی

به نام شهنامه‌چی در آمد که بر اساس آن، وقایع مربوط به سلاطین عثمانی در بحر متقارب به شکل داستانی حماسی به نظم کشیده شد. در این راه، ایرانیان که نسبت به شاعران بومی و غیر فارسی زبان، زبده‌تر بودند، متصدی این مقام شدند و به پدیدآوری شاهنامه‌های عثمانی اشتغال یافتند.

ایرانیان شهنامه‌سرای رسمی و غیر رسمی، اهداف خاصی را پی گرفتند. نخست، بزرگ‌نمایی حکومت عثمانی در مقابل دیگر حکومت‌ها بود که با مدح و بزرگداشت سلاطین و دولت‌مردان عثمانی و اغراق در اقدامات و فعالیت‌های آنان به شکل منظومه‌های حماسی رخ نمود. در این بزرگ‌نمایی و بزرگداشت، وجود کارگاه‌های هنری که به تذهیب، کتابت و نگارگری این کتب اشتغال داشتند، در دستیابی به این هدف مؤثر بودند. دیگر هدف منظومه‌نگاران تاریخی، با بحران مشروعیت عثمانیان در این دوره، ارتباط داشت که برآمده از اقدامات سلیم اول در جریان کسب سلطنت و حذف مدعیان بود. در این زمینه، منظومه‌نگاران ایرانی تا حد زیادی از پرداختن به این رویدادها خودداری کردند یا در کم اهمیت جلوه دادن و کوچک‌نمایی آن، کوشیدند. در نتیجه، ایرانیان حاضر در قلمرو عثمانی در عصر سلیم اول و سلیمان قانونی، ضمن ثبت وقایع حکومت عثمانی و غنی‌سازی ادبیات و تاریخ‌نگاری آن، به بزرگداشت و بزرگ‌نمایی سلاطین عثمانی و مشروعیت بخشی بیشتر به اقدامات و حکومت آنان در عصر اقتدار، دست زدند و در این راه، با ایجاد گونه‌آبی جدید به نام شهنامه‌سرایی درباری، به افزایش شکوه و اقتدار عثمانیان در دوره دو سلطان مقتدر عثمانی یاری رساندند؛ از این رو، می‌توان مهاجران ایرانی را که در زمینه تاریخ‌نگاری منظوم عثمانی فعالیت داشتند، یکی از عوامل افزایش شکوه و اقتدار عثمانیان در عصر سلیم اول و سلیمان قانونی دانست.

منابع

- ادائی شیرازی، محمد، *سلیم‌نامه ادائی شیرازی (شاهنامه سلیم‌خانی)*، چاپ عدالسلام بیلگن، آنکارا: انتشارات بنیاد تاریخ ترک، ۲۰۰۷.
- اوزجان، عبدالقادر، «تاریخ‌نگاری در دوره سلیمان قانونی»، در *تاریخ‌نگاری و مورخان عثمانی*، ترجمه و تدوین: نصرالله صالحی، تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام، ۱۳۹۱؛ ص ۱۷۱-۲۱۹.
- اولیاچلیبی، محمدظلی بن درویش، *سیاحتنامه*، طابعی احمد جودت، [استانبول]: اقدام مطبعه سی، ۱۳۱۴-۱۳۱۸ق.

- اینالجب، خلیل، «پیدایش تاریخ‌نگاری عثمانی»، در *تاریخ‌نگاری و مورخان عثمانی*، ترجمه و تدوین: نصرالله صالحی، تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام، ۱۳۹۱؛ ص ۷۳-۵۱.
- بابایی، طاهر، احمدرضا خضری و حسن حضرتی، «نقش کاتبان ایرانی در تحول و توسعه کتابت درباری عثمانی: دوره سلیم اول (حک: ۹۱۸-۹۲۶ق) و سلیمان قانونی (حک: ۹۲۶-۹۷۳ق)»، *مجله مطالعات تاریخ اسلام*، پژوهشکده تاریخ اسلام شماره ۳۳، تابستان ۹۶.
- برند، باربارا، *هنر اسلامی*، ترجمه مهناز شایسته‌فر، تهران: موسسه مطالعات هنر اسلامی، ۱۳۸۳.
- بروسه‌لی، محمد طاهر، *عثمانلی مولف‌لری*، استانبول: مطبعه عامره، ج ۱ و ۲، ۱۳۳۳ق/ج ۳ ۱۳۴۲ق.
- بغدادی، اسماعیل باشا، *هدیه العارفین اسماء المؤلفین و آثار المصنفین*، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی، [بی‌تا] (افست استانبول: ۱۹۵۱، ۱۹۵۵م).
- بلر، شیلا و جانانان بلوم، *هنر و معماری اسلامی (۲)*، ترجمه یعقوب آژند، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۸.
- ثریا، محمد، *سجل عثمانی یا خود تذکره مشاهیر عثمانی*، [استانبول]: مطبعه عامره، ۱۳۰۸ق، ۱۳۱۱ق.
- جلال‌زاده (قوجه نشانچی)، مصطفی چلبی، *طبقات الممالک و درجات المسالک: Geschichte Sultan Suleyman Kanunis von 1520 bis 1557, oder, Tabakat ul-Memalik ve Derecat ul-Mesalik*, ed. Peter Kappert, Wiesbaden, Franz Steiner Verlag GMBH, 1981
- حاجی خلیفه کاتب چلبی، مصطفی بن عبدالله، *کشف الظنون عن اسامی الکتب و الفنون*، بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۲ق/۱۹۸۲م.
- حکیم‌شاه، محمد بن مبارک [محمد قزوینی]، بخش افزوده به ترجمه *مجالس النفائس*، (نویسی، امیرعلیشیر، *تذکره مجالس النفائس* (ترجمه حکیم شاه محمد قزوینی)، به اهتمام علی اصغر حکمت، تهران: نشر منوچهری، ۱۳۶۳).
- خواجه‌سعدالدین افندی، محمد، *تاج‌التواریخ*، [استانبول]: طبعخانه عامره، ۱۲۷۹-۱۲۸۰ق.
- راشد محصل، محمدرضا، *نام‌شناخت توصیفی منظومه‌های دینی فارسی*، مشهد: آستان قدس رضوی، شرکت به نشر، ۱۳۸۹.
- رفیق، احمد، *عالم‌لر و صنعتکارلر*، ناشری ا. حلمی، استانبول: مطبعه اورخانیه، ۱۹۲۴م.
- ریاحی، محمدمین، *زبان و ادب فارسی در قلمرو عثمانی*، تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۹۰.
- سلیمان‌زاده، علی‌رضا، «سلیم‌نامه ادائی شیرازی (شاهنامه سلیم خانی)»، *کتاب ماه ادبیات*، شهریور ۱۳۹۰، ش ۱۶۷، ص ۷۷-۸۲.
- سهی‌بک، ادرنه‌لی سهی، *تذکره سهی (هشت بهشت)*، چاپ محمد شکری، در سعادت [استانبول]: مطبعه آمدی، ۱۳۲۵ق.
- ششن، رمضان، «مورخان عثمانی»، در *تاریخ‌نگاری و مورخان عثمانی*، ترجمه و تدوین: نصرالله صالحی، تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام، ۱۳۹۱؛ ص ۲۶۳-۳۸۰.
- صولاق‌زاده، محمد همدمی چلبی، *صولاق‌زاده تاریخی*، استانبول: محمودبک مطبعه‌سی، ۱۲۹۷ق.

- طاشکپری‌زاده، احمد بن مصطفی، *تاریخ صاف*، [بی‌جا]: ترقی مطبعه‌سی، ۱۲۸۷ق.
- عالی‌افندی، گلیبولولی مصطفی، *کنه‌ال‌اخبار*، چاپ عکس‌برگردان، Ali, Gelibolulu Mustafa, *Künhü l- Ahbar*, Dördüncü rükn: Osmanlı Tarihi, C.I. Ankara: Türk Tarih Kurumu, 2009.
- عبادی، مهدی، «بحران مشروعیت سلطنت سلیم اول و ارتباط آن با وقوع جنگ چالدران»، *دوفصلنامه تاریخ و تمدن اسلامی*، دانشگاه آزاد - واحد علوم و تحقیقات، ش ۱۹، بهار و تابستان ۱۳۹۳، ص ۱۴۱-۱۵۸.
- عطائی، عطاءالله محمد بن یحیی نوعی‌زاده، *ذیل الشقایق (حدائق الحقایق فی تکمله الشقائق)*، [استانبول]: طبعخانه عامره، ۱۲۶۹ق.
- قارصلی‌زاده، جمال‌الدین محمد، *عثمانلی تاریخ و مورخ‌لری مشهور به آیین طرفاء*، طبع احمد جودت، [استانبول]: اقدام مطبعه سی، ۱۳۱۴، ۴۰.
- قره‌چلبی‌زاده، عبدالعزیز‌افندی، *روضه‌الابرار المبین بحقائق‌ال‌اخبار*، قاهره: مطبعه بولاغ، ۱۲۴۸ق.
- لطفی‌پاشا، *تواریخ آل عثمان*، چاپ کلیسلی‌معلم رفعت، استانبول: مطبعه عامره، ۱۳۴۱ق.
- لطیفی (قسطمونیلی)، عبداللطیف چلبی، *تذکره لطیفی*، چاپ احمد جودت، [استانبول]: مطبعه اقدام، ۱۳۱۴ق.
- نوریلدیز، سارا، «نخبگان ایرانی در خدمت سلطان عثمانی: تاریخ‌نویسی فارسی در دوره عثمانی (سده‌های دهم و یازدهم)»، در *تاریخ‌نگاری و مورخان عثمانی*، ترجمه و تدوین: نصرالله صالحی، تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام، ۱۳۹۱؛ ص ۲۲۱-۲۴۵.
- نیاترای، ایشتوان، «سومین وهله از کشمکش عثمانی - صفوی: جنگ ایدئولوژیهای سیاسی (۱۵۵۵-۱۵۷۸)»، در *تاریخ پیوستگی فرهنگ ایران با فرهنگ زبان‌های ترکی در سده‌های ۱۱-۱۷*، زیر نظر او.ا. ام ژرمیاس، ترجمه عباسقلی غفاری فرد، تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۶.
- هیلن‌برند، رابرت، *هنر و معماری اسلامی*، ترجمه اردشیر اشراقی، تهران: روزنه، ۱۳۸۶.
- ووسینیچ، وین، *تاریخ امپراتوری عثمانی*، ترجمه سهیل آذری، کتابفروشی تهران با همکاری موسسه فرانکلین، تبریز، ۱۳۴۶ش.
- Argunşah, Mustafa, "Türk Edebiyatında Selimnameler", In *Turkish Studies - International Periodical For The Languages, Literature and History of Turkish or Turkic*, Vol 4/ 8, Fall 2009, pp. 31-47.
- Bilgen, Betül, "Kanuni Devrinde Yaşamış bir İranlı şairin gözüyle İstanbul", *Ankara Üniversitesi Dil ve Tarih-Coğrafya Fakültesi Dergisi*, vol 39, no. 1-2, 1999.
- Idem, *İsmail ve Fuhati Süleymani*□si, (doktora tezi) Ankara: Ankara Üniversitesi, 1990.
- Eroğlu, Zekeriya, *Şehnameci Lokmanin Hüner-namesi*, Yüksek lisans tezi, İstanbul: T.C. İstanbul Üniversitesi Sosyal Bilimler Enstitüsü, 1998.
- Kınalızade, Hasan çelebi, *Tezkiretü□ş şu□ara*, haz. Aysun Sungurhan-Eyduran, Ankara: T. C. Kültür ve Turizm bakanlığı kütüphaneler ve yayımlar genel müdürlüğü, 2009.

- Moshtagh Mehr, Rahman & Nihat Değirmenci, “Kanuni döneminde yazılan ve İstanbul’daki sel felaketini anlatan bir mesnevi”, *Doğu Araştırmaları: Doğu Dil, Edebiyat, Tarih, Sanat ve Kültür Araştırmaları Dergisi*, vol 1 , no. 9, 2012.
- Müneccimbaşı, Ahmet Dede, *Müneccimbaşı Tarihi(Sahaif- ül- Ahbar fi vakayi- ül a’sar)*, Arapça aslından türkçeleştiren İsmail Erünsal, İstanbul: Tercüman 1001 (منجم باشی، صحائف الاخبار فی وقایع الاعصار)، 1974;
- Nur Yıldız, Sara, “Historiography. xi. Persian Historiography in the Ottoman Empire.” In *Encyclopaedia Iranica*, 12/ 403-411.
- Tarım Ertuğ, Zeynep, “Hünername”, *DİA*, vol. 18.
- Woodhead, Christine, “An Experiment in Official Historiography: The Post of Şehnameci in the Ottoman Empire”, *WZKM*, Wien, No. 75. 1983, p.157-182.
- Woodhead, Christine, “Şehnameci”, *DİA*, vol. 38.
- Yazıcı, Tahsin, “Arifi Fethullah Çelebi”, *DİA*, vol. 3.